ضمائم

عدالت نامه ۷۲۲۵

صبحه وصدا ۷۲۲۶

شرح ابیات ۷۲۲۷

فهرس ما فی هذه المجموعة من الرسائل

رساله در علم مطلق و مقید تالیف قاسم انوار

منظومه در بیان مقامات عرفا

رساله در توحید

حکمت عملیه ... لنقطه

صراط ۳

رساله عدالت نامه ۷۲۲۵ اخلاق ع ۷ ح ۲۱۵

صبحه وصدا ۷۲۲۶ اخلاق



اثبات واجب

اسم کتاب رساله در عدم ~~...~~ فارسی

مصنف / مؤلف ~~قاسم انوار، محمد دوانی، صاین الدین~~

خطی نسخ ۱۵ سطری

چاپی

سال چاپ یا تحریر .... عدد اوراق ۱۶

جزء کتب حکمت و عرفان .... شماره ....

شماره عمومی ۷۲۲۳ شماره قبض ....

واقف خریداری آستانقدس تاریخ وقف مرداد ۱۳۲۸

طول ۱۸ عرض ۱۰ گنجه ....

شرح ابیات ۷۲۲۷ ادبیات شرح غزلی از حافظ مولانا جلال دوانی

۶۸/۷

فهرست ما فی هذه المجموعة من الرسائل

- رساله در علم منطق و نقد تالیف قاسم انوار
- منظومه در بیان مقامات عرفا
- رساله در کوه نخ
- رساله در حکمت عملیه و عدالت
- رساله در بیان اثبات النقطه تحت الباء
- رساله در بیان مرید و مراد
- رساله در نهایات و جهانی

ضمائم

۷۳۲۴ عدالت نامه

٦ و ٧ برگ

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و سپاس و حمد بی قیاس سزاوار حضرتیست
ذات او از صفت امکان و صفات او از سمت نقصان
و افعال او از وصمت عدوان مقدس و مبراست و
منزه و معراست و ساکنان روضهٔ قدس و عاکفان
عرصهٔ انس و کاملان عصبهٔ انس از ادراک کنه
او قاصر و از ادای شکر او فاتر سبحانک لا
احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک
ناطقهٔ خوش سرای عاجز مدح تو شد لاجرم آغاز
زمزمهٔ اختصار سقف معلق و فرش مطبق و نفس

مخلق

مخلق برهان قدرت مطلق و نشان ارادت علت بی
علت اوست انتظام سلسلهٔ موجودات و ارتباط سفلیات
بعلویات و اختراع عجایب مخلوقات دلیل علم
بی نهایت و بیان حکمت بی غایت اوست و سلام که
نفس ناطقه او بشر برنتابد و در درک کنه تقدیر
در نیابد مفصلی ارسد که حکمت حکمای عالم کمترین
پایهٔ حکمت اوست و معرفت عرفای جهان رشحه
از فیض معرفت و اغنی محمد مصطفی و مکرم مجتبی
علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات و علی
آله و صحبه و اسیرته عالم ز عدم خدای
قادر در رسالت وجود کرد ظاهر
بدان ایدک الله بروح منه که عدم بر دو قسم است
عدم مطلق و عدم مقید عدم مطلق آنست که هرگز
موجود نگردد مثل شریک باری تعالی و یکی بود در یک
آن واحد هم ساکن بودن و هم متحرک بودن و هم سیاه

پرستی چه احکام تقلیدات وهمی وخیالی
غالب بر نشاءه انسانیست وازین جهت
وجههٔ توجه ناقصان جز صورتی محصوره ازان
صورت نتواند بود والحق اعلی من کل ما تصورته
فان کل ما تصورته فقد تحملته والله خلقکم
وما تعملون این بود انچه بمیامن صفای
وقت وبرکات لطف نمانا از نفحات
ربانی بهوای فضای جولان خیال محرر این
مقاله رسید وزبان نمان واضح بیان
مستشفا قکلش را از باشارة بابشارة الا
فتعرضوا لها باستشمام فوایح نحاوی آن
میخوانند بیت قدمی ز خود بدون نه بریاض
عشق کانجا نه صداع نفخهٔ گل نه جفای خار
باشد وهمانا نکته دان شوخ طبع که
اسلوب رمز وایما گر زبان بی زبانان عشق است

داند مطاوی این اوراق بی سخنان نا
نوشته خواند بلکه بمدد این مقدمات
احاطه بر تمام مقاصد ناظم در سایر اشعار
او تواند چه از فحوای آن طریق سیر او تا انجا
که مستقر همت اوست که نشانهٔ سهام اشارت
هر کس ازان دو بیرون نتواند بود معلوم
گشت وبنا برین در تکثیر وجود محامل این
ابیات شعف بلکه بانچه بذوق خاص
ناظم انسب بود اکتفا نمود بیت انکی
گفتم وبسیار دگر دانستم والحمد لله علی
ما هدانا وله الشکر علی ما اولانا والصلوة
والسلام علی سیدنا محمد الذی عن داء
الجهالة نجانا والی معارج القدس دعانا
تم الرسالة بعون
الملک الوهاب

هو الحی القیوم

صحبت دنیا که تمنا کنند · با که وفا کرد که با ما کنند
ملک سلیمان مطلب کان هباست · ملک همانست سلیمان کجاست
زین گهر و گنج که نتوان شمرد · سام چه بر دست و نریمان چه برد

خاک شد آنکس که درین خاک زیست
خاک چه داند که درین خاک چیست
هر ورقی چهره آزاده ایست
هر قدمی فرق ملک زاده ایست
عمر بخشنودی دلها گذار
تا ز تو خشنود شود کردگار
هرکه به نیکی عمل آغاز کرد
نیکی او روی بدو باز کرد

درخانه اگر کس است یک حرف بس است